

## قوانین و تکلیف زن

## در حقوق ایران

علی مظفری

و رفتار وی نباشد، به او اجازه داده شده است از دادگاه، حق الزحمه‌ی کارهایی که شرعاً به عهده‌ی وی نبوده است را مطالبه نماید که دادگاه نیز با توجه به طول مدت زندگی مشترک و نوع کاری که زوجه انجام داده و وسع مالی شوهر، مبلغی را معین و شوهر را به دادن آن ملزم می‌نماید. پیش از تصویب قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق نیز در آبان‌ماه ۷۰ ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی اصلاح گردید که طبق آن، در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شد، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

منظور از این که دوام زوجیت موجب عسر و حرج باشد، یعنی زوجه در تنگنا قرار گرفته به نحوی که خطراتی برای او وجود داشته باشد. پس از تصویب این ماده در دادگاه‌ها در مورد مصادیق عسر و حرج اختلافات زیادی وجود داشت.

فلذا در مورخ ۲۹/۰۷/۰۳ قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی مورد تصویب مجلس قرار گرفت که پس از مخالفت شورای نگهبان در نهایت در تاریخ ۸۱/۰۶/۳۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. در این تبصره در تعریف عسر و حرج آمده است: به وجود آمدن وضعیتی که ادامه‌ی زندگی را برای زوجین با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد:

۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت ۶ ماه متوالی و یا ۹ ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه؛ ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع موادمخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورده و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است؛ ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس بیش از ۵ سال یا بیش‌تر؛ ۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوءرفتار مستمر زوج که عرفاً غیرقابل تحمل باشد؛ ۵- ابتلا به هرگونه بیماری صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. ۶- هم‌چنین موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شد حکم طلاق صادر نماید.

این موارد، تقریباً همان مواردی است که قبلاً تحت عنوان دیگری وجود داشته و بعضاً در شروط ضمن عقد ازدواج ذکر گردیده است. در پایان هم یادآوری می‌شود که با تصویب تبصره‌ی ماده ۱۱۳۳، زن می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹ (شروط ضمن عقد) و ۱۱۲۹ (عدم تأدیه نفقه و یا عدم امکان الزام شوهر به دادن نفقه) و ماده ۱۱۳۰ از دادگاه تقاضای طلاق نماید. (فرستنده: سمیه رشیدی)

□ در دوره‌ی نهم قانون‌گذاری در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ برخی از مقررات قانون مدنی از جمله مقررات نکاح، طلاق، حقوق و تکالیف زوجین در ایران وضع گردید. در سال‌های بعد، نیاز شدید به وضع قوانین جدید منجر به تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۴۶ گردید که در آن تقریباً زن و شوهر در یک سطح و موقعیت قرار گرفتند. این قانون بعدها به‌صورت مواردی که امروزه از آن به‌عنوان شرایط ضمن عقد نکاح در سند عقدنامه‌ی ازدواج درج می‌شود، تکمیل گردید.

با بررسی این قانون متوجه می‌شویم که هیچ فرقی بین زن و مرد قائل نگردیده و به دور از نگاه جنسیتی به هر دو نفر اجازه می‌دهد با مراجعه به دادگاه و اثبات ادعای خود، تقاضای صدور «گواهی عدم امکان سازش» را نمایند.

در ماده‌ی ۸ قانون فوق‌الذکر ۱۴ بند ذکر گردیده، که در صورت احراز هر یک از موارد، زن یا مرد می‌تواند به دادگاه مراجعه و درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش را نمایند. دو مورد از ۱۴ مورد، مواردی است که زن به استناد آن می‌تواند درخواست فوق را مطرح سازد و یک مورد هم خاص مرد است و ۱۱ مورد دیگر مشترک بین هر دو می‌باشد (مثل اعتیاد، ترک زندگی مشترک، سوء معاشرت و...) هم‌چنین ماده‌ی ۱۷ قانون یاد شده به زن اجازه می‌دهد در صورت ازدواج مجدد شوهر، تقاضای صدور گواهی فوق را نماید.

پس از پیروزی انقلاب و با تصویب لایحه‌ی قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص در مهر ماه ۵۸ و بر طبق تبصره‌ی ۲، مواد ۳ و ۱۹ لایحه‌ی قانون مذکور، کلیه‌ی قوانین مغایر با قانون مدنی از جمله قانون حمایت خانواده ملغی شد و موارد طلاق را به قانون مدنی سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ ارجاع داد ولی پس از مدتی، ضعف‌ها و مشکلات ناشی از اجرای آن بروز کرد و لزوم اصلاحاتی در خصوص قانون مدنی احساس گردید و قانون‌گذار مبادرت به ایجاد تغییراتی در قوانین نمود. این امر مؤید این نظریه است که قوانین باید با توجه به مقتضیات زمان و اوضاع و احوال جامعه تغییر یابد، ولی بسیاری از تغییرات در مسیر خود با مشکلات فراوانی روبه‌رو گردید. پس از تصویب لایحه‌ی قانونی دادگاه مدنی خاص در سال ۵۸، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق پس از تصویب مجلس، به‌علت مخالفت شورای نگهبان در دی ماه ۷۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. در آن ماده‌ی واحد، مجمع، نظر مجلس را تأیید نمود.

در تبصره‌های ۵ و ۶ ماده‌ی واحده‌ی یاد شده دو مورد از مواردی که در جهت حمایت از حقوق زن بود در نظر گرفته شده است که طبق تبصره‌ی ۵ آن به دادگاه مدنی خاص اجازه می‌داد که از بین بانوان واجد شرایط «قانون شرایط انتخاب قضات»، مشاور زن داشته باشند تا در جهت حمایت و مراقبت از حقوق زنان در آن دادگاه اظهار عقیده نمایند و طبق تبصره‌ی ۶ نیز در صورتی که طلاق از طرف زوجه نبوده و تقاضای طلاق هم ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق